

گزارش «جوان» از یکی از جوان‌پسندترین برنامه‌های رادیو

سلام به جوان ایرانی امیدآفرین است



«رادیو» از جمله رسانه‌هایی است که شنوندگان آن در هر زمینه‌ای می‌توانند برنامه‌های خود را جست‌وجو کنند. تخصصی شدن شبکه‌ها نیز به این موضوع کمک بسیاری کرده است. مثل «رادیو جوان» که رادیویی ویژه جوانان است و بیشتر تلاش آن حول محور جذب مخاطب این گروه سنی می‌چرخد و سعی بر آن دارد تا با ساخت برنامه‌های متنوع و جوان پسند فاصله میان جوانان و رادیو را از میان ببرد. در این میان «جوان ایرانی سلام» از برنامه‌های شاخص این شبکه است و همین بس بود تا دلیلی باشد با برخی از عوامل آن گفت‌وگویی داشته باشیم.

■ ■ ■

برنامه «جوان ایرانی سلام» را شاید بتوان پرشنونده‌ترین برنامه رادیویی صبحگاهی ایران دانست. این برنامه در ابتدای صبح و هنگامی که مردم عازم محل کار خود هستند از شبکه رادیویی جوان پخش می‌شود و بسیاری از ایرانی‌ها آن را درون خودرو گوش می‌کنند.

به دلیل زمان پخش برنامه، انرژی پخش و شاد بودن آن، حائز اهمیت فراوان است که با یک اجرای قوی و صدای پر نشاط محقق می‌شود؛ این کار ی است که فاطمه صدافتی و پیمان طالبی اجرای آن را بر عهده دارند و انصافاً هم به خوبی از عهده این مهم بر آمده‌اند.

سیروس رجبی و عباس پیری تهیه‌کنندگان این برنامه هستند و یک هفته در میان به تولید این برنامه می‌پردازند و هدف هر دو جذب جوانان به رادیو و برنامه‌های رادیویی است.

■ **«جوان ایرانی سلام» با هدف امیدآفرینی**

سیروس رجبی تهیه‌کننده «جوان ایرانی سلام» در خصوص این برنامه گفت: «جوان ایرانی سلام یک مجله صبحگاهی با پخش‌های متنوع به مدت ۷۰ دقیقه است و هدف آن ایجاد فضای پرشور و نشاط صبحگاهی و انگیزه و امید در دل مردم است که در کنار آن اخبار هوشناسی و خبرهای ورزشی به صورت بسته‌های کوتاه ارائه می‌شود.

وی با بیان اینکه بخش «پیگیری» و «چه خبر تونه» از آیت‌ها ی پر مخاطب این برنامه

■ **جوان ایرانی سلام پرشنونده‌ترین برنامه**

در ادامه عباس پیری درباره این برنامه گفت: جوان ایرانی سلام یکی از برنامه‌های صبحگاهی است که قدمت بسیاری دارد و دست به دست از عموم مردم به خصوص جوانان است، تقدیم امانت به دست ما رسیده است.

وی افزود: به جرئت می‌توان گفت برنامه جوان ایرانی سلام یکی از پر شنونده‌ترین برنامه‌های معاونت صداست و جزو کمربندی برنامه‌های صبحگاهی شبکه رادیویی جوان است. این برنامه آیت‌های متنوع کوتاهی دارد که باعث می‌شود ضرابهنگ برنامه خیلی تند باشد.



پیمان طالبی: من اصولاً آدم پرن انرژی هستم و این انرژی که صبح‌ها می‌گذارم واقعی است. درست است گاهی شاید من هم مشکل داشته باشم و به قولی حال دلم خوب نباشد اما وقتی پشت میکروفن می‌نشینم با خود می‌گویم پیمان هر مشکلی داری برای خودت است و باید بر نامه‌را پرن انرژی اجرا کنی



عباس پیری همچنین گفت: هدف اصلی برنامه اطلاع‌رسانی است با توجه به اینکه صبح بیشتر افراد سفر درون شهری یا برون شهری دارند و قاعدتاً اول صبح فارغ از تمام خبرها هستند، این برنامه سعی دارد تمام اطلاعاتی که مناسب تهیه‌کنندگان و گویندگان بزرگ رادیو به صورت عموم مردم به دست ما رسیده است. وی تأکید کرد: در این برنامه اطلاع‌رسانی متنوع و متفاوتی صورت می‌گیرد و به صورت بسته‌های کوتاه با اجرای فاطمه صدافتی تقدیم شنوندگان می‌شود. این سویی سعی کردیم فارغ از مسائل و موضوعات روز هم نباشیم و با مسئولان در برنامه در ارتباط باشیم. عباس پیری با بیان اینکه برای نامگذاری آیت‌های جوان ایرانی سلام، سعی شده است از اعضای بدن استفاده شود، توضیح داد: «پشت پا» اولین آیتمی است که در برنامه پخش می‌شود که شامل خبرهای طنز است. آیتم «پلک صبح» که یک تلنگر صبحگاهی کوتاه است. آیتم «فصیح عمیق» شامل خبرهای ورزشی است و آیتم «رو در رو» گفت‌وگوهایی است که با مسئولان داریم. آیتم «گوش به زنگ» نیز آیتمی است که در آن گوش به زنگ تلفن‌های مردم هستیم. وی با بیان اینکه در این برنامه سعی کردیم تا صدای مردم باشیم، گفت: یکی از مهم‌ترین مسئولیت این برنامه امیدآفرینی و ایجاد شور نشاط در مردم به خصوص جوانان است که جزو دغدغه‌های اصلی مدیر شبکه رادیو جوان هم است.

در ادامه با یکی از گویندگان این برنامه که با صدای گرم و پرن انرژی خود، رونق پخش برنامه‌های رادیو جوان و مخصوصاً جوان ایرانی سلام است، گفت‌وگو می‌کنیم.

■ **لحظه به لحظه این برنامه برایم جذاب است**

از پیمان طالبی، گوینده‌ای که میلیون‌ها ایرانی صبح خود را با صدای پر نشاط او آغاز می‌کنند، درباره «جوان ایرانی سلام» پرسیدم. در جواب گفت: برنامه جوان ایرانی سلام از برنامه‌های قدیمی و پر مخاطب رادیو جوان است و قبل از من گوینده‌های بسیاری اجرای آن را بر عهده داشتند که اکنون من و خانم فاطمه صدافتی گوینده این برنامه هستیم.

سال ۹۲ بود که بعد از رفتن خانم صدافتی از این

برنامه، من و حسن اسماعیل‌پور برای این برنامه انتخاب شدیم، فکر نمی‌کردیم بعد از خانم صدافتی که جوان ایرانی سلام با ایشان شروع شد مخاطبان استقبالشان ادامه داشته باشد، اما خدا را شکر این محبت و لطف شنونده‌ها ادامه داشت و خیلی سریع مخاطبان با ما ارتباط گرفتند و ما را پذیرفتند.

از او درباره انرژی سرشاری که دارد، پرسیدم، گفت: همه از من می‌پرسند این همه انرژی را از کجا می‌آوری؟ در واقع من اصولاً آدم پرن انرژی هستم و این انرژی که صبح‌ها می‌گذارم واقعی است. درست است گاهی شاید من هم مشکل داشته باشم و به قولی حال دلم خوب نباشد اما وقتی پشت میکروفن می‌نشینم با خود می‌گویم پیمان هر مشکلی داری برای خودت است و باید بر نامه را پرن انرژی اجرا کنی.

به‌هر حال مردم وقتی روز خودشان را با صدای پر انرژی شروع کنند در طول روز تأثیر گذار خواهد بود و این انرژی به آنها هم منتقل می‌شود. وی در ادامه گفت: من گزیده کار هستم و سعی می‌کنم برنامه‌ای را اجرا کنم که حس خوبی به آن داشته باشم، بنابراین برنامه من به برنامه باعث می‌شود انرژی مضاعف‌تری از برنامه بگیرم. پیمان طالبی درباره پیامک‌هایی که به برنامه برای او ارسال می‌شود، افزود: لقب‌های زیادی در پیامک‌ها به من می‌دهند، اخیراً پیامک بامزه‌ای ارسال شد که مضمونش این بود: پیمان جان صدای تو را می‌شنوم در حالی که قهوه اسپرسو می‌خورم ولی صدای تو از این قهوه بیشتر به من می‌انرژی می‌دهد، پیمان اسپرسو... و این خیلی به من جسیبد. طالبی در پاسخ به این سؤال که کدام بخش از برنامه جوان ایرانی سلام را بیشتر دوست داری، پاسخ داد: واقعاً نمی‌توانم بگویم که کدام بخش این برنامه را بیشتر دوست دارم. لحظه به لحظه این برنامه برایم جذاب است به این دلیل که حاصل تلاش یک تیم موفق و دوست‌داشتنی است که برای لحظه لحظه آن از جان و دل انرژی می‌گذارند و باید گفت موفقیت «جوان ایرانی سلام» حاصل کار یک تیم فوق‌العاده است و من خیلی خوشحالم که صدای من از طریق این برنامه به گوش مردم می‌رسد و این موضوع همیشه برای من باعث افتخار بوده و است.

و در آنجا از پلنفرم خود برای تأسیس سازمانی با عنوان «SafeBAE» برای پایان دادن به معضل تجاوز جنسی در بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و دبیرستان استفاده کرد. میزان نامنی برای زنان و دختران و حتی پسران در امریکا به حدی بالاست که این ارگان به بازماندگان تجاوز جنسی کمک می‌کند تا با تجارب خود کنار بیایند. مهم‌ترین موضوعی که علاوه بر مسئله سنگین تجاوز «دیزی کولمن» را از آرمی‌داد این بود که «متیو بارت» پسری که به او تجاوز کرده بود نوه «رت بارت» نماینده اسبق سرشناس ایالتی در منطقه «وداوی کانتی» ایالت میزوری بود که با نفوذ خود باعث تبرئه نوه متجاوز خود شد. این خبر در سال ۲۰۱۳ به شدت جنجال آفرین شد و پرونده مخته‌ومه دادگاه‌اول در سال ۲۰۱۴ در دادگاه دوم به جریان افتاد اما در آنجا نیز شنبه خانواده متجاوز پرزورتر بود و در نهایت تنها به چهار ماه حبس برای «متیو بارت» خاتمه یافت تا روایای آزادی، همچنان کابوسی بی پایان شود.

«دیزی کولمن» به کالج «میزوری ولی» رفت

تنها ۱۴ سال داشت، در یک مهمانی در مریویل مونتان مورد تجاوز قرار گرفت. آنها که به او تجاوز کردند هرگز محکوم نشدند.

بعد از تجاوز در فضای مجازی و در مدرسه مورد آزار و اذیت شدید قرار گرفت و به تیتیر و خبری در سطح ملی بدل شد.

«دیزی کولمن» به کالج «میزوری ولی» رفت

گفت‌وگو



کارگردان و فیلمنامه‌نویس فرانسوی:

فکر می‌کنم سینما مرده ولی ما آن را زنده‌یافتیم

■ **معمومه طاهری**

ژاک آودیارد (Jacques Audiard) کارگردان و فیلمنامه‌نویس سرشناس فرانسوی است که تاکنون جوایز متعددی از جشنواره‌ها و فستیوال‌های سینمایی دریافت کرده است؛ از جمله دوبار برنده جایزه سزار بهترین فیلم، دوبار جایزه «بفتا» بهترین فیلم به زبان انگلیسی، جایزه برتر جشنواره کن سال ۲۰۱۰ برای فیلم «یک پیامبر» و... اخیراً نشریه legrandcontinent با وی مصاحبه مفصلی انجام داده است که برش‌هایی از آن را می‌آوریم.

■ ■ ■

کاملاً متداول است که بگویم سینمای شما ژانر را زیر سؤال می‌برد.

آیا خودتان را با این برجسب می‌شناسید؟

بله، کاملاً آن زمان این کار در خیلی از فیلم‌ها انجام نمی‌شد. در فرانسه این سبک برای سریال‌های تلویزیونی بیشتر روال بود. وقتی کارگردانی را شروع کردم به خودم گفتم این مسئله یعنی تعلق داشتن و وفادار بودن به سینمای ژانر واقعاً عملی نیست. با این حال به نظر من وقتی به چیزی رسیدید، به دنبال وضعیتی بینابینی باید بود یعنی آنچه دیگران ندیده‌اند و آنچه آشکارا رخ داده است.

قبل از کارگردانی، شما به عنوان دستیار تدوینگر و فیلمنامه‌نویس فعالیت داشتید. آیا این یک پیوستگی منطقی برای رسیدن به اهداف بود یا برعکس، پارگی و انفصال را نشان می‌داد؟ و اینکه نوشته‌ها و ویرایش شما با دیگران فرق دارد؟

بله، خیلی فرق دارد حتی این را وقتی دیدم که از فیلمنامه‌نویسی به کارگردانی رفتم. آنچه فهمیدم این بود که نوشتن برای دیگران واقعاً مرا عقب نگه داشته است. نمی‌توانم بگویم که من فیلمنامه‌نویسی عصبانگر بوده‌ام یا اینکه فکر کنم آنقدر قوی هستم که دیگران نتوانند مطالب من را رد کنند، ولی آنچه باعث شد من به سمت کارگردانی بروم این بود که به عنوان فیلمنامه‌نویس از کارهای خود احساس رضایت نمی‌کردم. فهمیدم فیلم‌هایی که می‌نویسم خیلی خوب نیستند تا حدودی به این دلیل که نمی‌توانم تمام حواشی را ببینم و اگر فکر کنید فیلم ساخته شده از فیلمنامه بدتر است وحشتناک است.

در بسیاری از فیلم‌های شما شخصیت‌ها در حال یادگیری فیلم هستند. چه چیزی شما را به این سمت هدایت می‌کند؟

نمی‌دانم این موضوع از طرف من تعددی است یا خیر، اما همیشه بوده است. اول از همه اینکه من واقعاً آموزش را دوست دارم جایی که یک شخصیت با یک رفتار خاص جهان را رصد می‌کند، تکامل می‌یابد و دیدگاه او نسبت به جهان تغییر پیدا می‌کند. به نظر من این به طرز چشمگیری دراماتیک است. شاید از نظر اخلاقی کاملاً محققانه باشد. این ایده که شخصیت داستان با کشیف چیزهایی دیدگاه خود را نسبت به جهان می‌دهد خوش‌بینانه است و سرانجام این الگوی بسیار مؤثر برای یک سناریو است.

آیا بسته به اینکه شما کارگردانی از روی اثری اقتباسی یا یک اثر اصلی را انجام می‌دهید، متفاوت کار می‌کنید؟

نه اینطور فکر نمی‌کنم به نظرم ویژگی فیلمنامه‌نویسی و فیلمنامه این است که لزوماً باید با یک رسانه سازگار شود و سناریو انتقال پیدا کند. البته شما می‌توانید اسکرپت‌هایی را که عکسبرداری نشده‌اند ویرایش کنید، اما این هیچ ارتباطی با آنچه معمولاً با نوشتن درک می‌شود، ندارد. این یک شیء است که به سمت تحقق سوق می‌یابد و این زمانی است که باور می‌شود. چه ایده اصلی داشته باشید و چه از یک رمان اقتباس کنید کار به همین صورت خواهد بود. تولید فیلم این است که بدانیم چگونه باید سازگار شویم، همیشه باید در نظر داشته باشیم که سینما قابل خواندن نیست.

نظرتان درباره سینما چیست؟

من فکر می‌کنم سینما مرده است، ولی ما آن را زنده‌یافتیم، در عین حال جلوه‌های ویژه‌ای که توسط فناوری دیجیتال ایجاد می‌شود تسهیل‌کننده و روان‌کننده فیلم‌ها شده‌اند و اینها از همان ابتدا بخشی از سینما بوده‌اند.

آیا فناوری دیجیتال یک شکست کیفی در سینما محسوب می‌شود؟

این بیشتر یک وقفه هستی شناختی است. دقیقاً اینها جلوه‌های خاصی از نوع دیگری نیستند، البته کاپولا و اسکورسزینی درست می‌گویند که صنعتی شدن روایتی وحشتناک است ما دیگر نیازی به واقعیت نداریم. سینما مانند رمان در یک لحظه معین ظاهر می‌شود و توسعه می‌یابد، زیرا یک کارکرد اجتماعی را برآورده می‌کند به همان روشی که رمان آیینیه جامعه پررؤزایی است که ظهور آن با آن همراه بود، سینما هم به عنوان آیینهای برای لایه‌های جدیدی از جامعه صنعتی است و از همان ابتدا سینمای امریکا صنعتی شد.

شما شخصیت‌های زیادی را خلق کرده و باعث شده‌اید آنها روی صحنه سینما تکامل یابند. آیا کسی است که شما او را ترجیح می‌دهید و شاید محبوب باشد؟

من شخصیت‌های مورد علاقه ندارم و از خیلی از کاراکترهایم خوشم آمده و بازیگرانی را که بازی می‌کردند دوست داشتم حتی خاطرات زیادی از بازی خوب یک بازیگر می‌توانم داشته باشم. می‌دانید، انزو فراری (Enzo Ferrari) بنیانگذار تیم اتومبیلرانی، خاطرات خود را با عنوان «شادی‌های وحشتناک من» نوشت. متعقد این لحظات چنین شادی‌های وحشتناکی دارند. این کاراکترها نیستند، بلکه مردم یعنی زنان و مردان جامعه هستند که قصد دارند این نقش‌ها را بازی کنند و آنها را خود بروز دهند و وقتی این اتفاق بیفتد برای من یک چیز استثنایی است، همیشه احساس می‌کنم این همان کاری است که آنها برای من انجام می‌دهند! ما نمی‌توانیم نگاه آنها را باور کنیم.

در پایان آیا سؤالی هست که دوست داشتید در این مصاحبه از شما پرسیده شود؟

سؤالی بود که سال ۱۹۸۷ توسط خبرنگار ویژه‌نامه آزادی از من پرسیده شد و آن این بود که شما چرا جهان را فیلم می‌کنید؟ جوابی که من آن زمان دادم این بود: برای خلق جهان و اینکه ببینیم چطور کار می‌کند. این قضیه جنبه شبه هندسی دارد. من می‌دانم که کارم سینماست و در یک مقطع زمانی فیلم می‌سازم، زیرا ارتباط من با جهان به این شکل است، یعنی ما شروع کار در یک پروژه سینمایی به طور جدانه اطلاعاتی از جهان را جمع‌آوری می‌کنیم و آن را به افرادی که نمی‌شناسیم ارائه می‌دهیم و این جالب است.